نفس الامریت استحاله‌ی اجتماع نقیضین و تصویر عاقل بودن ِآن حقیقت

شاگرد: این با ارتکاز ما سازگار نیست. این را گفته‌اند. یعنی خود استحاله‌ی تناقض درک دارد؟

استاد: ببینید اگر بازتاب عاقل در درجات خیال متصل، نفس متصل و عقل جزیی را می‌گویید، درست می‌گویید. یعنی الآن آیینه جلوی شما بگیرند و عکس شما را در آیینه ببینند. می‌گویند: ایشان الآن زنده است؟ در آیینه که زنده نیست. عکسش است که در آیینه است. عکس به نفس آمده است و می‌گویید من که به آن نگاه می‌کنم، می‌بینم زنده نیست. درکی ندارد. برودی خود او و آن طوری که اول عقل در آن فانی شده است و بعد عکس آن در نفس افتاده را، ببینید. به این عکس الآن نگویید...؛ استحاله‌ی تناقض درک و اذعانی ندارد. راست هم می‌گویید. اما آن چیزی که مبدأ واقعی آن است که عکسش در نفس افتاده است، آن خودش معقولی است که شما اتحاد عاقل به معقول را می‌بینید. چقدر حکمای بزرگ زحمت کشیده‌اند که بگویند: نگویید «و معقول». اگر «و» بگویید، حرف ما نیست. نگویید: «اتحاد عاقل و معقول»، بلکه «اتحاد عاقل به معقول». فلذا آن معقول، عین عقل و عاقل و معقول است.

شاگرد: یعنی تعین استحاله‌ی اجتماعش در آنجا هست ای چیز دیگری است که الآن از این استفاده می‌شود؟ یعنی در همین تعین استحاله‌ی آن، صورتی هست که آن عاقل خودش است. وقتی ما به آن متصل می‌شویم... .

استاد: بله؛ اما نه به این صورت که ما آن صورت را مانند خود این قضیه در نظر بگیریم. واقعیتش این گزاره نیست. بازتابی از آن در نفوس این است. نباید همینطوری که بازتاب آن در نفوس هست، بگویید آقای زید چه کسی است؟ بگویید هر چه در آیینه هست خود زید است. درحالی‌که زید نفس می‌کشد و ... . درست است که این عکس او است، اما قرار نشد که این عکس کامل ً خود او باشد. زید خارجی خیلی متفاوت است. بازتاب یک حقایق عقلی در عالم مجردات، در نفوس ما از طرف خودش یک آثار و رنگی می‌گیرد.

شاگرد: وجود ِبرای ما ... .

استاد: بله، اتفاقا اضافه‌ی اشراقیه به ما دارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:23:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:24:35 توسط ... .